

بسم الله الرحمن الرحيم

حزب التحریر، حریف توانا در جنگ فکری

رساله‌ای تحت عنوان "نقض مفکوره سرمایه‌داری غربی" منتشر می‌نماید

(ترجمه)

علی‌رغم این که دولت اسلامی صد سال است توسط کفار غربی در رأس آن انگلیس سقوط نموده است، علی‌رغم این که اسلام در هیچ مرکزی از مراکز حکومتی و تصمیم‌گیری درجهان وجود ندارد، برای غرب و سیاسیون آن میدان نیز خالی می‌باشد؛ لذا به راحتی سرنوشت اقوام و ملت‌ها را به بازی می‌گیرند. بلی، غرب از جنگ علیه اسلام و مسلمین هرگز دست برنخواهد داشت، هرگز پرتاب تیرهایش را به سمت عقیده امت و شریعت آن متوقف نخواهد کرد، هیچ‌گاه غرب از غارت و بلعیدن دارائی‌ها و داشته‌های امت سیر نخواهد شد و همواره در تلاش تحمیل اقتدار و سلطه خویش بالای قضا و امور جهان می‌باشد. غرب و سیاسیون غربی مردم را وادار ساخته اند تا در سایه نظام سرمایه‌داری حریص و طماع، در یک حالت سردرگمی و بی‌پهلوئی زندگی شان را سپری نمایند. آن‌ها به هیچ چیزی اهمیت نمی‌دهند، جز به پُر ساختن جیب‌های اهل قدرت و سلطه، در حالی که مردم از فقر، خواری و نیازمندی رنج می‌برند. علی‌رغم این دوری تحمیل شده اسلام از صحنه حاکمیت، بازهم اسلام خواب را از چشمان غرب ربوده، اقتدار آن را به نابودی تهدید نموده و همواره مشکل بزرگ غرب می‌باشد؛ چون عقیده اسلامی در نهادینه شدنش، هر باورمند بخود را وادار می‌سازد که هرگونه ذلت و فروتنی در برابر غیر الله سبحانه و تعالی را دور اندازد. عقیده اسلامی برای باورمند بخود، عزت و قدرتی عطا می‌کند که به هرگونه خواری، منت و اهانتی، راضی نمی‌شود. همین عقیده اسلامی می‌باشد که اسلام را تنها ایدیولوژی قرار می‌دهد که حاملین آن در یک جنگ دائمی و مستمر با تمدن غرب قرار دارند تا این که اسلام بر تمام ادیان و ایدیولوژی‌ها از جمله سرمایه‌داری چیره شود.

اما می‌بینیم که بسیاری از حرکت‌های اسلامی از رنگ مبارزه با غرب، تمدن و فرهنگ آن بیرون شده اند، بلکه حتی می‌بینیم که برخی از حرکت‌های اسلامی در دروازه‌های غرب ایستاده و برای حل مشکلات امت، سؤال‌گری می‌نمایند، فراموش نموده اند که غرب همان دشمنی می‌باشد که با دسایس اش امت را به شکست مواجه ساخته و دولت آن را سرنگون نموده است، دشمنی را فراموش نموده اند که همواره علیه امت دسیسه‌چینی نموده، خود مستقیم و یا از طریق حمایت از دیکتاتورها در سزمین‌های اسلامی، امت را قتل عام و فرزندانش را متواری می‌سازد؛ اما برخی از حرکت‌های اسلامی از غرب می‌خواهند که قضیه فلسطین و دیگر قضایای مسلمانان را در برما، کشمیر، ترکستان شرقی (ایغور)، مصر، سوریه، یمن و لیبیا، چاره کنند، با آن که می‌دانند این غرب است که اصل مرض و اساس بلاء می‌باشد. این‌ها را چه شده است؟ به قضا یا چه گونه می‌نگرند؟ معیار در قضاوت شان چیست؟!

در کنار این عقب‌نشینی‌ها و بیرون شدن‌های حرکت‌های اسلامی از میدان مقابله فکری و جنگ تمدنی همراه غرب، یک بار دیگر نمایان گردید که حزب التحریر همان راهنما و رهبری می‌باشد که پیروانش را به سرمنزل مقصود می‌رساند. یک بار دیگر نمایان گردید که حزب التحریر همان صخره‌ای می‌باشد که آرزوهای غرب برای نفوذ و سیطره بالای اسلام و مسلمین، در برخورد با آن در هم می‌شکند.

حزبال تحریر کتاب جدید و مهمی را تحت عنوان "نقض مفکوره استعماری غربی" ارائه نموده است، با ممیزاتی چون دقت، فراگیری و عمیق بودن آن؛ چیزی که ما در مؤلفات دیگر حزب التحریر هم شاهد آن می‌باشیم، با آن که این کتاب موضوع جدیدی را به ثقافت حزب اضافه نموده است، بیشتر از مطالب آن در کتب ثقافتی دیگر حزب آمده است، از جمله در کتاب "نظام اسلام" در بحث رهبری فکری، در مقدمه کتاب "نظام اقتصادی" در ارتباط به نقد نظام اقتصادی سرمایه‌داری، در رساله "دیموکراسی نظام کفری است" در ارتباط به نقد دیموکراسی، در کتاب "نظام اجتماعی در اسلام" در بیان دیدگاه درست اسلامی در مورد ارتباط زن و مرد و بیان فساد دیدگاه غرب در مورد این رابطه. اما می‌توان گفت که این کتاب تمام این گل‌های پراکنده را در یک باغچه جمع‌آوری نموده است، تا برای خواننده محترم آن، در روی یک سطح موضوع نمایان گردیده و بتواند بیهوده‌گی و فرسوده‌گی مفکوره غربی را در اصول و فروع و هم در عقیده و نظام آن، درک نماید تا برای خواننده آن، عظمت اسلام روشن شده و برای آن تناقض واضح و آشکار اسلام نمایان گردد، تا امت راه درست بیداری را دریافته و بداند که جز در آغوش اسلام پناهگاهی دیگری نداشته و همانا اسلام تنها ایدیولوژی درست می‌باشد.

این کتاب به پرده بردای از فضاحت‌های سکولارستی توجه نموده است؛ مفکوره‌ای که پرچم آن وسایل بازی برخی از متوهمین غرب زده در سرزمین‌های مان قرار گرفته و در مورد مفکوره‌ای بجیح می‌کنند که زاده یک دیگرگونی مشخص تاریخی می‌باشد؛ مفکوره‌ای که از آن ساختارهای فکری مشخصی تولید شده است که با مفکوره جدای دین از زندگی هم‌خوانی دارد - که در مجموع این مفکوره عکس‌العملی در برابر ظلم و ستم طولانی مدتی می‌باشد - که بر اروپا در قرون وسطی حاکم بود؛ ظلمی که مفکوره حل وسط - که جوهر و اساس سکولاریستی می‌باشد - از رحیم آن متولد شد. این محصول وضعیت تاریخی مشخصی می‌باشد که هیچ ربطی به امت اسلامی و تاریخ آن ندارد و از اسلام به عنوان یک ایدیولوژی فراگیر، بسیار فاصله دارد؛ زیرا اسلام حتی یک روز هم اقتدار ظالمانه علیه مردم نبوده است. اسلام هیچ‌گاه بر این دید نبوده که به وسیله محاکم تفتیش، همان‌گونه که در قرون وسطی در غرب بود، کسی را به کفر، زندیق بودن و ارتداد متهم و مورد مجازات قرار دهد.

بدون شک، حزب التحریر در جنگ فکری - که غرب علیه افکار اسلامی راه‌اندازی نموده است - یک مدافع قوی می‌باشد. حزب التحریر متعرض سکولارها بوده، انحرافات فکری شان را برجسته ساخته و از وضعیت شان پرده برمی‌دارد. سکولارها به دنبال جدایی دین از دولت بوده، می‌خواهند که از دین فقط مراسم اعیاد و مناسبت‌های دیگر دینی باقی بماند و بس؛ چیزی که به عینه نفاق آشکار می‌باشد. اگر مسیحیت چنین چیزی را بپذیرد و پیروانش فریب آن را بخورد، جای شگفت ندارد؛ اما اسلام چنین چیزی را نپذیرفته و فرزندان راستین امت نیز چنین فریبی را نخواهند خورد. همان‌گونه که مجاز نیست یک فردی که به الله و رسولش ایمان دارد، از دینش فاصله گرفته و در افعال و اعمال خویش از متمسک شدن به احکام شرعی آزاد باشد. برای یک دولتی که ادعا می‌کند دولت اسلامی می‌باشد، مجاز نیست که دین را از خود جدا ساخته و در آن حاکم و نمایندگان پارلمان، بدون هیچ وابسته‌گی به اوامیر و نواهی الله سبحانه و تعالی، هرچه می‌خواهد انجام دهند. اسلام ایدولوژی، یعنی عقیده عقلی می‌باشد که نظام از آن برگرفته می‌شود و هرگز جدایی آن از زندگی، دولت و سیاست ممکن نمی‌باشد.

از عدی بن حاتم روایت است که می‌گفت: من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که سوره "براءة" را تلاوت می‌نمود، همین که به این آیه: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ...﴾؛ اینان دانشمندان و راهبان خود را بجز الله سبحانه و تعالی به پروردیگاری گرفته اند... رسیدند، از ایشان پرسیدم که ای رسول الله صلی الله علیه وسلم آن‌ها که برای راهبان و اربابان خویش نماز نمی‌خواندند! رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«صَدَقْتَ وَلَكِنْ كَانُوا يُحِلُّونَ لَهُمْ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَسْتَحِلُّونَهُ وَيُحَرِّمُونَ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَهُمْ فَيُحَرِّمُونَهُ»

ترجمه: راست می‌گویی، اما آنان برای شان آن‌چه را که الله حرام قرار داده بود، حلال قرار می‌دادند و ایشان نیز آن را حلال می‌شماردند، و آن‌چه را که الله برای شان حلال قرار داده بود، آنان برای شان حرام قرار می‌دادند و ایشان نیز آن را حرام می‌شماردند.

از این جهت حزب‌التحریر تنها به درگیری‌های سیاسی با حکام کنونی برای نابودی آنان، سرنگونی نظام‌های شان و برپایی نظام اسلام مشغول نیست؛ بلکه در عین حال در عمق درگیری‌های فکری با غرب، ایدئولوژی سرمایه‌داری آن و مهره‌ها فرومایه و سکولارهای مزدور آن در سرزمین‌های مان قرار دارد. حزب‌التحریر در میان امت و با امت، تلاش می‌کند که دوره حکومت‌های جبری پایان یابد؛ دوره‌ای که اسلام در آن حاکم نبوده، حلقه (دستگیره) حاکمیت در هم شکسته، دین از زندگی و دولت جدا و سکولاریستی به گونه مطلق و کامل بالای سرزمین‌های اسلامی حاکم می‌باشد؛ در دوره‌ای که سگ‌های سکولاریستی همواره اذهان امت را گاز می‌گیرند تا این مفکوره غربی را در عقیده امت و در میراث و تاریخ کهن آن بگنجانند. اما کار از دست این گروه (سکولاریست‌ها) گذشته، همین که متوجه شدند که تلاش‌های نزدیک به یک قرن‌شان به باد می‌رود، شکست خویش را به چشم دیدند. آن‌ها از هجوم و چالش فکری حزب‌التحریر و جوانان آن علیه افکار غربی، از پرده‌برداری‌های جوانان حزب‌التحریر از روی گندهای افکار غربی، غافل‌گیر شدند. آن‌ها برای بازگشت اسلام به حکومت، یک‌جا شدن ماده با روح، پیشبرد زندگی بر مبنی احکام الله سبحانه و تعالی و همان‌طور برای بازگشت دوباره خلافت بر منهج نبوت، اصرار طولانی و مستمر امت را انتظار نداشتند.

در پایان: توصیه می‌نمایند که بزرگواران اهل مطالعه از مطالعه این کتاب غافل نمانند؛ زیرا این کتاب یک سرمایه فکری بی‌نظیر می‌باشد؛ سرمایه‌ای که در هیچ جای دیگر یافت نخواهد شد. از الله علی العظیم خواهانیم که فهم و دانش ما را در مصلحت دین و دنیای مان قرار داده و بر آن بیفزاید و ما را از لشکریانی قرار بدهد که برای نصرت دینش در تلاش اند! به حق که او سبحانه و تعالی "ولی" این خواسته بوده و بر تحقق آن قادر و توانا می‌باشد.

نویسنده: استاد حامد عبدالعزیز

برگرفته از جریده‌الرایه-شماره 363

مترجم: علی مطمئن